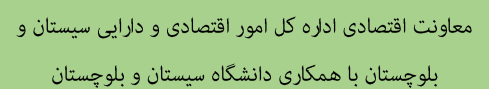


دلایل و نتایج



اسفند ماه ۱۴۰۲

خلاصه:

با بررسی روند رشد سپرده‌های بانکی می‌توان شاهد رشد قابل توجهی در جذب سپرده‌های بانکی بود. که در این میان استان سیستان و بلوچستان از جایگاه نخست برخوردار می‌باشد. از دلایل جذب سپرده‌گذاران می‌توان به افزایش نرخ سود بانکی، پایین بودن متوسط درآمد خانوارهای استان، ریسک‌گریزی و پایین بودن دانش مالی، عدم جذابیت سایر بازارها، عدم جذابیت سرمایه‌گذاری به دلیل نوسانات اقتصادی و بالا بودن هزینه‌های تولید و عدم امکان رقابت با سایر تولیدکنندگان در استان، عدم تطبیق برنامه اعطای تسهیلات با بخش‌های دارای اولویت در استان و .. را اشاره نمود.

توصیه‌های سیاستی:

در اقتصاد ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه تشکیل سرمایه مهم‌ترین عامل رشد و توسعه اقتصادی است. می‌توان گفت یکی از منابع مهم سرمایه همان سپرده‌های افراد نزد بانک‌ها است که به عنوان نماینده پس انداز جامعه محسوب می‌شود. عوامل اقتصادی و سیاسی در تصمیم‌گیری مردم برای اینکه پول خود را به چه صورت از دارایی نگهداری کنند موثرند. به عبارت دیگر علامت دهی بازار منشا تصمیم‌گیری مردم در مورد نحوه چینش پورتفوی آنها است که در تغییر رشد اقتصادی و تورم اهمیت دارد.. در مطالعه حاضر علاوه بر تاکید بر تثبیت اقتصادی و پیشگیری از آسیب پذیری اقتصاد از شوک‌های برون‌زا، مواردی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- تنوع بخشی به تامین مالی سرمایه‌گذاری‌ها در استان
- استفاده از ظرفیت تنوع مذهبی در استان برای جذب سپرده‌ها
- بررسی مبانی فقهی مکانیسم هدایت مالیات‌های اسلامی به سرمایه‌گذاری در استان
- فراهم آوردن انواع حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار با امکان دسترسی آسانتر به سود سپرده‌ها در مدت زمان مناسب‌تر
- ارتقای دانش مالی در استان با استفاده از ظرفیت رسانه
- توزیع مناسب تسهیلات و اولویت بخشی به فعالیت‌های اقتصادی با ارزش افزوده و اشتغال بالا
- انتشار انواع اوراق قرضه مشارکت در طرح‌های زیربنایی و ساختاری با بازده مناسب و ...
- محاسبه نسبت بهینه تسهیلات به سپرده با توجه به اهداف رشد اقتصادی و نرخ تورم در استان‌ها و رصد و پایش سیاست‌های بانکی در راستای حفظ نسبت بهینه

مقدمه:

بازارهای مالی بازارهایی هستند که در آنها دارایی‌های مالی مبادله می‌شوند. برخلاف دارایی‌های حقیقی یا دارایی‌های فیزیکی، دارایی‌های مالی، نوعی حق یا ادعای یک واحد اقتصادی از دیگر واحدهای اقتصادی تلقی می‌شود. دارایی حقیقی برای دارنده‌اش خدمات فیزیکی ارائه می‌کند، اما دارایی مالی به عنوان ذخیره ارزش عمل می‌کند و دارنده‌ی آن انتظار دریافت درآمد از آن را در آینده دارد. در بازارهای مالی اغلب کشورها، بانک‌ها نقش مهمی در این راستا ایفا کرده‌اند و در تسریع گردش منظم چرخه اقتصادی از طریق منابع مالی جهت طرح‌های عمرانی و ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی و طرح‌های اشتغال‌زا و اتمام طرح‌های نیمه تمام، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. از آنجا که بانک‌ها مؤسسات انتفاعی هستند و قسمت اعظم منابع خود را از محل سپرده‌های سپرده‌گذاران خود تأمین می‌کنند، لذا تصمیم سپرده‌گذاران در مورد انتخاب سبد دارایی‌شان می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر حجم سپرده‌های بانک داشته باشد. از آنجا که بانک‌های دولتی بخش عمده منابع خود را از محل سپرده‌های سپرده‌گذاران خود تأمین می‌کنند و از طرفی تصمیم‌گیری افراد برای تعیین نوع پس‌انداز با توجه به ثنوری پرتفوی، بستگی به عوامل متعدد از جمله بازدهی دارایی‌های جایگزین پول دارد.

در دیدگاه فریدمن (۱۹۵۶) مصرف‌کنندگان پول را نگه می‌دارند چون نگهداری پول به آنها مطلوبیت می‌دهد همانطور که تقاضای مصرف‌کننده، در غیاب توهم پولی تقاضا برای کالاهای حقیقی مصرفی است و به ارزش پولی آنها کاری ندارد، تقاضای پول هم باید برای مانده‌های حقیقی باشد. چون پول همانند کالا به اعتبار مطلوبیتی که ارائه می‌دهد، مورد تقاضا واقع می‌شود. این تقاضا به سطح درآمد حقیقی و بازده و روش‌های دیگر نگهداری دارایی نیز وابسته می‌باشد. تولیدکنندگان نیز پول را به عنوان دارایی مولد که جریان هزینه و درآمد آنها را هموار می‌سازد، نگهداری می‌کنند درست مانند تقاضای آنها برای خدمات سرمایه حقیقی که به سطح محصول یا درآمد حقیقی و عایدات نسبی سایر روشهای نگهداری ثروت بستگی دارد.

افراد بین نگهداری پول و سایر دارایی‌های مالی انتخاب می‌کنند و این‌گزینه‌ش تحت تأثیر نرخ بهره، نرخ تورم و ... می‌باشد. و از آنجا که مبادله بین مصرف حال و آینده به نفع مصرف آینده، مستلزم پس‌انداز کردن است و سپرده‌گذاری، نوعی پس‌انداز تلقی می‌شود، می‌توان ادعا کرد که عواملی نظیر نرخ بهره، تورم، ارزش افزوده، اشتغال، جمعیت، جمعیت فعال و ... در صورتی که بر مدل درآمد-هزینه فرد در طول زندگی هر انسان موثر باشد، می‌توان بر پس‌انداز و به تبع آن بر سپرده‌گذاری شخص موثر گردد.

پس‌انداز به معنای خرج نکردن و کنار گذاشتن درآمد است. امساک مصرف‌کننده باعث انباشت دارایی‌ها می‌شود. این امساک یا به دلیل خست است یا اینکه فعلاً امکان خرج کردن درآمد و دارایی‌ها وجود ندارد و یا مصرف‌کننده به امید مصرف بیشتر و کسب مطلوبیت بالاتر در آینده از مصرف جاری صرف نظر می‌کند. انتظار انگیزه مصرف‌کننده در پس‌انداز است. این وجوه معمولاً در بازار مالی (مؤسسات پولی و اعتباری یا بازار سرمایه) سپرده‌گذاری یا پس‌انداز می‌شوند. اقتصاد یک جامعه هرچقدر

در جذب پس اندازها و هدایت آنها به سمت سرمایه‌گذاری‌های ثابت، موفق‌تر و به سامان‌تر عمل کند، در جهت رشد و توسعه بیشتر حرکت خواهد کرد.

عوامل موثر بر پس انداز

• درآمد

از دیدگاه کینز درآمد جاری عامل اصلی تعیین کننده میزان پس انداز می‌باشد. از این رو بر رابطه مثبت و معنی دار بین درآمد و پس انداز تاکید شده است. رابطه پس انداز و توزیع درآمد موضوعی بحث انگیز است. خانوارها با درآمد پایین قدرت پس انداز نداشته و تنها در دهک های درآمدی بالاتر، انتظار پس انداز بیشتر وجود دارد.

• نرخ بهره

از دیدگاه کلان و بنگاه‌های اقتصادی نرخ بهره قیمتی است که برای دریافت اعتبار یا پول پرداخت می‌گردد و یا برخی در اصطلاح آن را هزینه اجاره پول عنوان میکنند. از دیدگاه خانوارها میتوان گفت نرخ بهره جایزه به تعویق انداختن مصرف (پس انداز) است. در واقع نرخ بهره در اقتصاد سازوکاری را ایجاد میکند که جامعه را در تصمیم به چگونگی تخصیص درآمد به کالاها و خدمات در طی زمان راهنمایی میکند. نرخ بهره دارای دو اثر درآمدی و جانشینی است. از دیدگاه اثر درآمدی افزایش نرخ بهره واقعی، ارزش فعلی درآمدهای آتی را کاهش میدهد و بنابراین تأثیر منفی بر پس انداز دارد. از طرفی طبق اثر جانشینی بازده پس اندازها را افزایش میدهد و باعث توجه بیشتر به پس اندازهای حال حاضر میشود. به عبارت دیگر، منجر به تعویق مصرف طی دوره شده و تأثیر مثبت بر پس انداز دارد؛ بنابراین تأثیرات نرخ بهره واقعی به وسیله قدرت نسبی این دو اثر متضاد مشخص میشود.

• تورم

تورم ناشی از وضعیتی است که در اقتصاد سطح عمومی قیمت ها بطور بی رویه یا بی تناسب و مدام و غالباً به صورت غیر قابل بازگشت افزایش می‌یابد. اثر تورم بر پس انداز قابل بحث است. تورم باعث کاهش دارایی‌های ثابت مانند اوراق قرضه می‌گردد و از این دیدگاه با کاهش ثروت واقعی گویا پس انداز افزایش می‌یابد. ضمناً در محیط "تحدید شده" مالی که در کشورمان پا برجاست با افزایش تورم نرخ بهره واقعی منفی میشود و تمایل به و تمایل به مصرف افزایش و میل به پس انداز کاهش می‌یابد. در دوران تورم هنگامی که درآمدهای اسمی هماهنگ با افزایش قیمت ها افزایش نیابد یکی از اثرات تورم کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان است و بنابراین آنان مجبورند که از خرید بعضی از کالاها و خدمات چشم پوشی کنند که این چشم پوشی اجباری از مصرف پس انداز اجباری خوانده می‌شود.

• محدودیت قرض

توانایی قرض دادن و قرض گرفتن به عنوان یک عامل تعیین کننده پس انداز مطرح است چراکه با افزایش این توانایی‌ها برخی افراد که مازاد درآمد دارند با قرض دادن این مازاد به دیگران و به تاخیر انداختن مصرف خود پس انداز را افزایش می‌دهند اما از

وشی دیگر افرادی که کسری درآمد نسبت به مصرف دارند به دنبال قرض گرفتن از دیگران می باشند بنابراین با افزایش این توانایی در جامعه در صورتی که افراد دارای مازاد بیشتر از افراد دارای کسری درآمد باشند نرخ پس انداز در جامعه بالاتر خواهد رفت.

• نرخ ارز

با توجه به این که نوسانات نرخ ارز باعث بی ثباتی نرخ تورم میشود و ممکن است تاثیر مستقیم بر روی مصرف داشته باشد، بررسی اثر این متغیر بر مصرف به عنوان یک متغیر مهم در اقتصاد، ضروری به نظر میرسد. علاوه بر اثر سطح نرخ ارز بر مصرف باشد، نوسانات آن نیز میتواند به عنوان یکی دیگر از عوامل تعیین کننده موثر در تعیین مصرف باشد. نوسانات نرخ ارز با ایجاد نوسانات در تورم باعث میشود مصرف کنندگان در مورد الگوی هزینه های خود و کاهش هزینه ها و افزایش پس انداز، محتاطتر باشند.

• سهام

بازار پول و بازار سهام در بلندمدت رقیب و مکمل یکدیگر هستند و رابطه معنادار و معکوسی بین این دو متغیر (بازار پول و بازار سهام) وجود دارد. سود سپرده بانکی همراه با سایر بازارها همچون بازار مسکن، ارز و طلا همواره به عنوان جایگزین سرمایه گذاری در بازار سرمایه مطرح است. با افزایش سود بانکی، بخشی از سهامداران با درجه ریسک گریزی بالاتر، سرمایه خود را از بازار سهام خارج کرده و سرمایه گذاری در بانک و کسب سود بدون ریسک را بر کسب سود توأم با ریسک از طریق خرید و فروش سهام ترجیح میدهند که منجر به خروج نقدینگی از بازار سهام و کاهش ارزش بازار میشود و به طور قطع هرچه نرخ سود بانکی بیشتر افزایش داشته باشد بازار بدون ریسک سود سپرده بسیار جذابتر خواهد شد و افزایش شدیدتر نرخ سود بانکی حتی افراد ریسک پذیر را هم به خود جذب خواهد کرد. افزایش سود بانکی از طریق جذب سرمایه ها، موجب کاهش بازدهی و نرخ رشد حجم معاملات بازار سهام می شود.

در واقع این رابطه معکوس بین حاشیه نرخ سود بانکی و نقدینگی بازار سهام نیز برقرار است سرمایه گذاری را به دو بخش سرمایه گذاری مالی و سرمایه گذاری در دارایی های ثابت میتوان تقسیم نمود. بخش مسکن نمونه ای از دارایی های ثابت و سیستم بانکی و بازار بورس نمودی از سرمایه گذاری مالی می باشند. در ایران بخش قابل توجهی از دارایی های مالی در قالب سیستم بانکی به صورت سپرده های بلندمدت و کوتاه مدت سرمایه گذاری می شود که بانکها با بهره گیری از این سپرده ها در فعالیتهای تولیدی سرمایه گذاری می کنند.

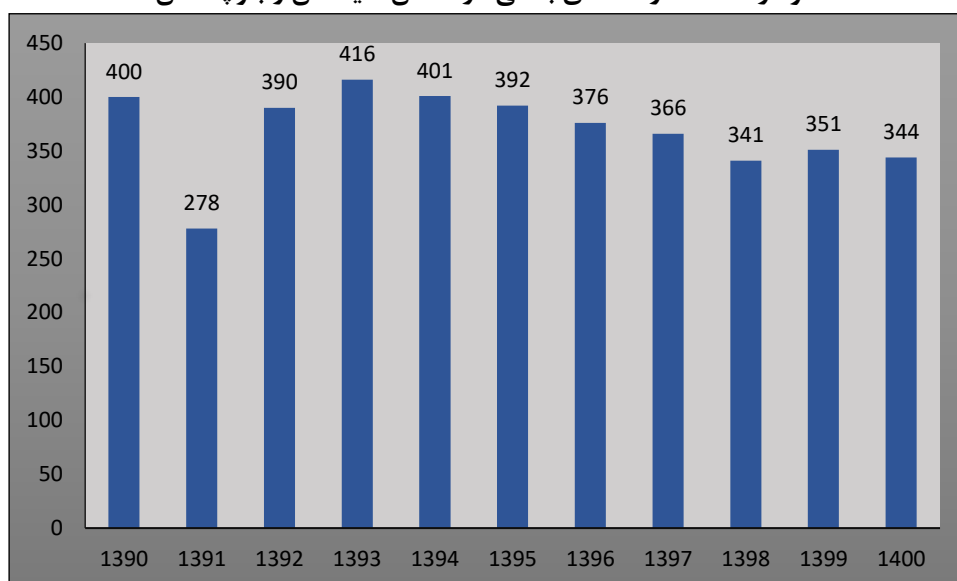
تئوری های مختلفی در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر حجم سپرده های بانکی وجود دارد. از آن جمله، می توان به تئوری های مربوط به پس انداز نظیر تئوری های کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها، کینز و فرضیه درآمد دائمی فریدمن اشاره نمود. اقتصاددانان کلاسیک و دوره عمر فیشر و آندو – مدیلیانی نئوکلاسیک پس انداز را چشم پوشی از مصرف حال به منظور افزایش مصرف آینده میدانند و

معتقدند پاداش عمل پس انداز، نرخ بهره است. به عبارت دیگر، نرخ بهره عامل اصلی تعیین کننده پس انداز است و از آنجاییکه درآمد در سطح اشتغال کامل ثابت در نظر گرفته میشود اثری بر پس انداز ندارد. به اعتقاد آنان افزایش پس انداز به هر مقدار در سایه قانون عرضه و تقاضا باعث افزایش سرمایه گذاری و در نتیجه ترقی اقتصادی می شود.

جمع آوری آمارهای پولی و بانکی کشور با تأسیس بانک ملی ایران در سال ۱۳۰۷ شروع شد و از سال ۱۳۱۴، با تأسیس اداره آمار و بررسی های اقتصادی در این بانک گسترش یافت. پس از تشکیل بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۳۹، این وظیفه به بانک مذکور واگذار شد. در حال حاضر، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از گزارش هایی که از بانک های کشور به طور مرتب دریافت می کند، آمارهای پولی و بانکی کشور را جمع آوری و منتشر می نماید.

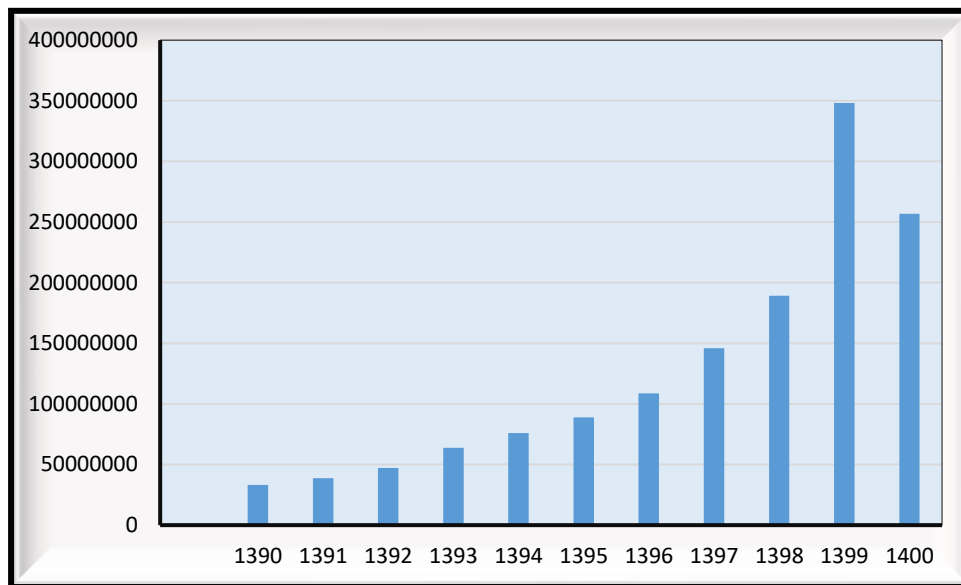
آمار ارائه شده در ایران گزارش از سالنامه های آماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان و همچنین مرکز آمار ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰ اخذ گردیده است.

نمودار ۱: تعداد واحدهای بانکی در استان سیستان و بلوچستان



منبع: سالنامه های آماری

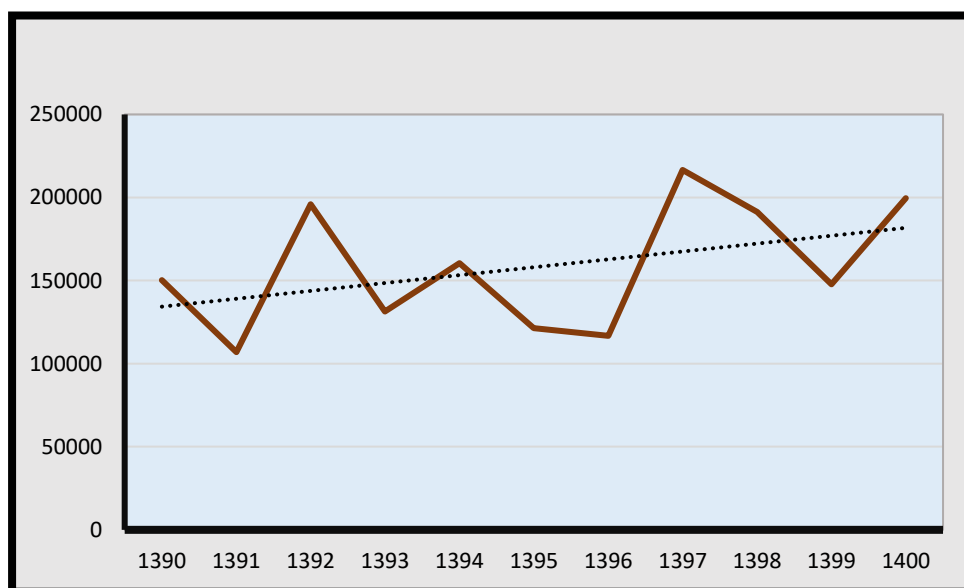
نمودار ۲: مبلغ انواع سپرده ها نزد بانک های استان



منبع: سالنامه های آماری

براساس نمودار فوق مبلغ انواع سپرده ها در نزد بانک های استان سیستان و بلوچستان از روند افزایشی برخوردار بوده است. مشتریان برای سپرده گذاری پول خود در بانک ها انگیزه های متفاوتی دارند. مردم درآمد حاصل از کسب و کار خود را یا خرج هزینه های زندگی میکنند و یا پس انداز میکنند. پس اندازها را در بازارهای مختلف سپرده گذاری و یا سرمایه گذاری میکنند که در مقایسه بازارها با هم نشان دهنده ریسک کمتر بازار بانکی یا سپرده گذاری در بانک است.

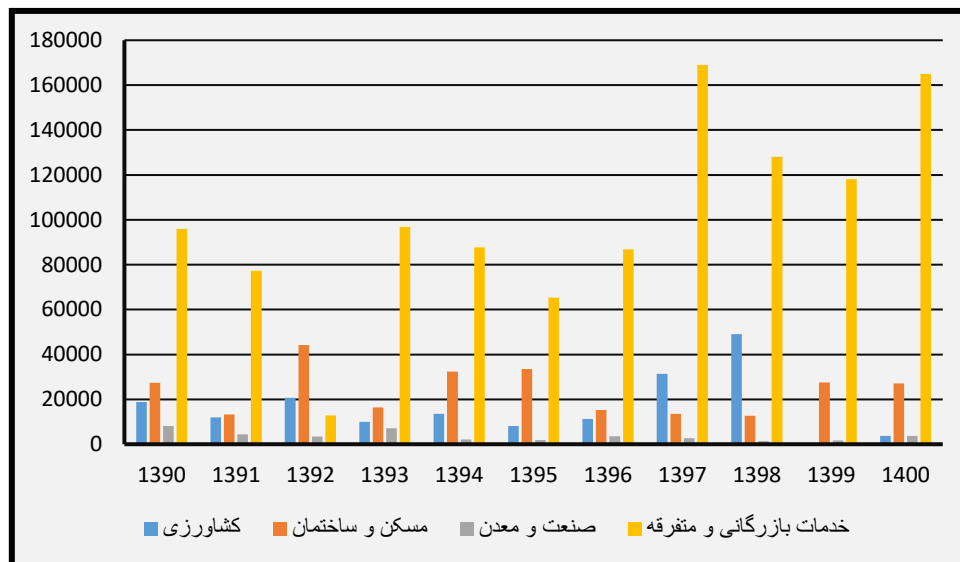
نمودار ۳: تعداد تسهیلات پرداختی بانک ها به بخش غیردولتی



منبع: سالنامه های آماری

با افزایش سپرده‌گذاری افراد در نزد بانک‌ها آمارها حاکی از افزایش تعداد تسهیلات پرداختی در استان در بازه مورد بررسی می‌باشد.

نمودار ۴: توزیع تعداد تسهیلات پرداختی بانک‌ها به بخش غیردولتی بر حسب بخش‌های عمده اقتصادی



منبع: سالنامه‌های آماری

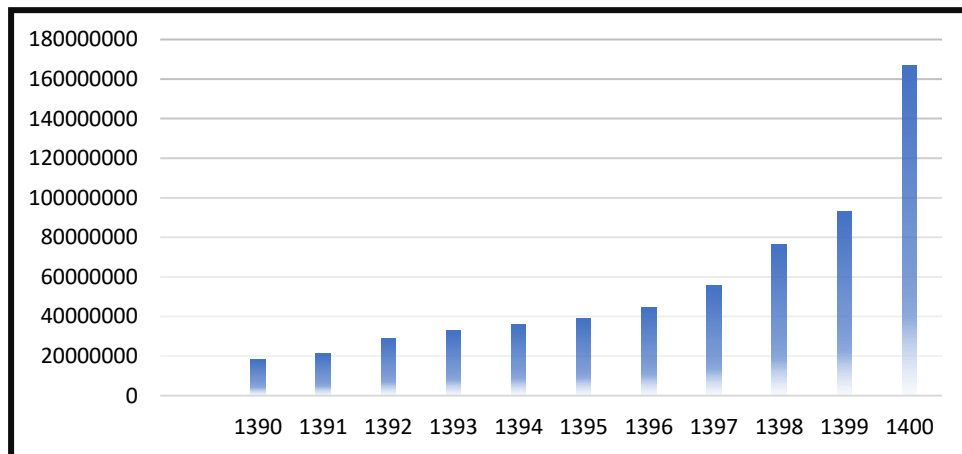
نمودار شماره ۴ نشان دهنده توزیع تعداد تسهیلات پرداختی بانک‌ها به بخش غیردولتی بر حسب بخش‌های عمده اقتصادی است. وظیفه اصلی بانک‌ها واسطه‌گری وجوه است به این معنی که از یکسو وجوه را سپرده‌گذاران دریافت کرده و از سوی دیگر این وجوه را در قالب تسهیلات به متقاضیان پرداخت می‌کنند. دارندگان وجوه مازاد با سپرده‌گذاری در بانک عملاً وجوه خویش را به بانک قرض داده و نرخ سود معینی دریافت می‌کنند. متقاضیان تسهیلات نیز در ازای پرداخت سود معینی از بانک‌ها قرض می‌گیرند. ریسک‌گریزی افراد، جایگاه استان در شاخص متوسط هزینه و درآمد خانوار شهری (به ترتیب جایگاه ۳۰ و جایگاه ۲۹)، نرخ تورم افزایشی و دانش مالی ناکافی از عوامل مهم موثر بر عدم تنوع در پرتفوی دارایی‌های مردم در استان است. همچنین پرداخت یارانه معیشتی از دیگر عوامل موثر بر افزایش سپرده‌های بانکی است. بالا بودن هزینه‌های تولید و عدم تناسب مهارت و تخصص نیروی انسانی با نیازهای بازار کار علاوه بر نوسانات شرایط اقتصادی منجر به کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در استان شده است. عوامل دیگری مانند تغییر شیوه وام‌دهی و اعطای وام به صورت نسبتی از سپرده، نگهداشتن بخشی از تسهیلات توسط بانک و بازی پانزی (استفاده از سپرده‌ها برای پرداخت سود قبلی سپرده‌ها) نیز بر نسبت تسهیلات به سپرده تأثیر دارند. از اینرو نسبت تسهیلات به سپرده در مقایسه با سایر استان‌ها رتبه ۲۶ تا ۳۰ را برای استان سیستان و بلوچستان رقم زده است.

مسکن

خانوارها در سبد دارایی خود اقلامی مانند زمین، مسکن، طلا، ارز، اوراق بهادار، سپرده‌های بلندمدت، دارایی‌های نقد و سهام را نگهداری میکنند. رفتار خانوارها، بنگاه‌ها و سازمان‌های فعال در این عرصه تا حدودی در گرو تغییرات شکل‌گیری انتظارات قیمتی، درآمدی و ثبات کالای با دوام مصرفی و پیش‌بینی‌های مربوط به آن در آینده است.

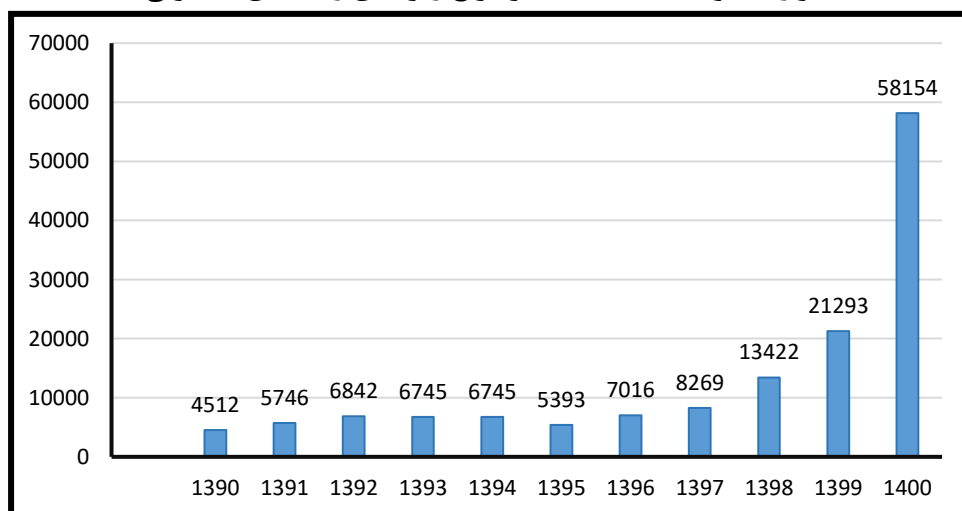
درآمد خانوارها از کسب درآمد خود به دو یا در مواقعی به سه قسمت تقسیم می‌شود. یک قسمت از آن صرف هزینه‌های زندگی شده و دو قسمت دیگر برای سرمایه‌گذاری و سفته‌بازی تقسیم میشود. اکثریت افراد جامعه با توجه به موضوع ریسک‌گریزی خود تمایل زیادی به سپرده‌گذاری پس‌انداز خود دارند. رفتار سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری به شاخص‌های متفاوتی بستگی دارد و در دوره‌های زمانی مختلف به واسطه انتظار از بازده بازارها تغییر می‌کند.

نمودار ۵: هزینه اجاره بها در سبد خانوار



منبع: سالنامه‌های آماری

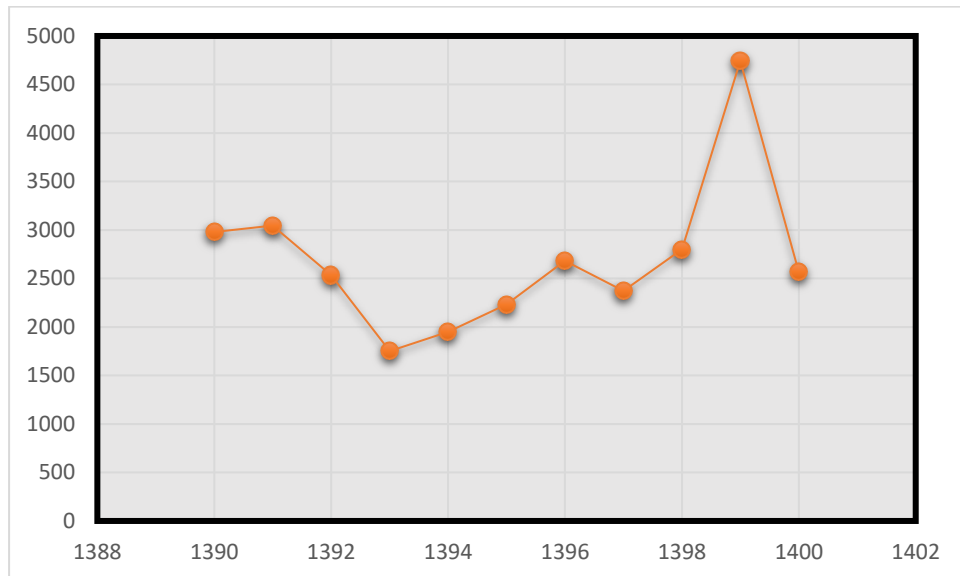
نمودار ۶: متوسط قیمت یک متر مربع زیر بنای واحدهای مسکونی



منبع: سالنامه‌های آماری

بازار مسکن و ساخت ساز مسکن، یکی از موتورهای محرک رشد اقتصادی است. رکود در بازار مسکن که از علت‌های اصلی آن نبود قدرت خرید مناسب و کافی خریدار و تاثیر منفی عامل انتظارات است ورود منابع مالی جدید در این بخش بسیار کم صورت پذیرفته است. از دیگر دلایل خروج خریداران و سرمایه گذاران از این بازار وجود حباب قیمتی در شهرهای بزرگ، چرخه های پر نوسان در بخش عرضه و تقاضا و نیز در بازار رهن و اجاره، عرضه ی بیش از نیاز و تعداد زیاد پروژه های نیمه تمام نمونه هایی از مشکلات این بخش است.

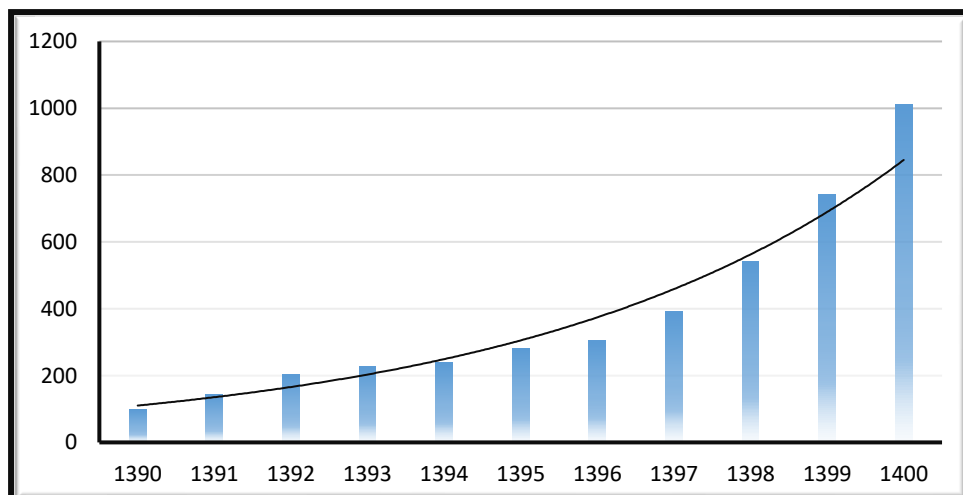
نمودار ۷: پروانه های ساختمانی صادر شده



منبع: سالنامه های آماری

در شرایط تورمی هزینه ساخت یک واحد مسکن برای سازندگان افزایش می یابد. این افزایش می تواند به دو علت باشد: یکی افزایش هزینه مصالح ساختمانی و دیگری هزینه تمام شده بنا. از سوی دیگر در شرایط تورمی کارگران ساختمانی نیز با در نظر گرفتن تورم تقاضای دستمزد بالاتری خواهند کرد. این امر با افزایش هزینه های تولید می تواند منجر به افزایش قیمت مسکن گردد.

نمودار ۸: شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی



منبع: سالنامه‌های آماری

در برخی شرایط هزینه ساخت مسکن با قیمت‌های رایج موجود تفاوت و شکاف قابل ملاحظه‌ای داشته است. اگر هزینه‌های ساخت و ساز در یک دوره در شرایط معمولی اقتصاد اتفاق بیفتد و به ناگهان در اثر بروز عوامل مختلف بویژه شوک‌ها و اختلالات غیر منتظره تقاضای مسکن افزایش یابد تفاوت میان هزینه تولید و قیمت متناسب نخواهد بود. ایجاد چنین شکافی در بخش هزینه تولید مسکن و قیمت که در اثر ناپایداری شرایط اقتصادی ایجاد میشود از عوامل مهم و موثر افزایش قیمت محسوب میشود. بی ثباتی در اقتصاد، استمرار قیمت‌های نوسانی و تغییرات پیاپی ارزش دارایی‌ها و بی ثباتی مالی علاوه بر تقاضا بر توزیع درآمد و میزان و شدت نابرابری تأثیرات مخربی را بر جا گذاشته است. بررسی رشد تقاضای مسکن در دهه‌های گذشته گویای آن است که به دلایل مختلف از جمله رشد پایین اقتصادی، سطح درآمد سرانه اندک، ناتوانی خانوارها در تهیه مسکن، نبود فرصت‌های شغلی در شهرهای کوچک افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ منجر به افزایش حاشیه نشینی و در نتیجه رشد قیمت در شهرهای بزرگ شده است. کاهش توان مردم در خرید مسکن و همچنین بهره‌مندی از وام‌های مسکن سبب جایگزینی سپرده‌های بانکی با سرمایه‌گذاری در بخش مسکن شده است.

در مدل سبد دارایی نگهداری پول به عنوان جانشین انواع دیگر ثروت (کالا، اوراق قرضه و سهام) در انتخاب برنامه مالی یا پرتفولیو است. بدین صورت که مردم بین حفظ پول و دیگر دارایی‌های مالی و کالاها و خدمات دست به انتخاب میزنند و در این انتخاب عواملی مانند نرخ بهره، نرخ بازده اوراق قرضه، نرخ تورم و غیره تأثیرگذار هستند. از آنجا که صرف نظر کردن از مصرف حال و نگهداری قسمتی از درآمد به صورتهای مختلف برای مصرف آینده نوعی پس انداز به شمار می‌رود و از سویی سپرده گذاری در بانک‌ها نیز یکی از روش‌های پس انداز می باشد که عواملی همانند نرخ تورم، تولید ناخالص داخلی، بازده سهام، نرخ بازده اوراق مشارکت و عوامل دیگر را در این امر موثر دانست. به بیان دیگر هر عاملی که بر الگوی درآمد و مصرف افراد در طول زندگی آنها تأثیر داشته باشد بر سطح پس انداز آنها نیز موثر خواهد بود.

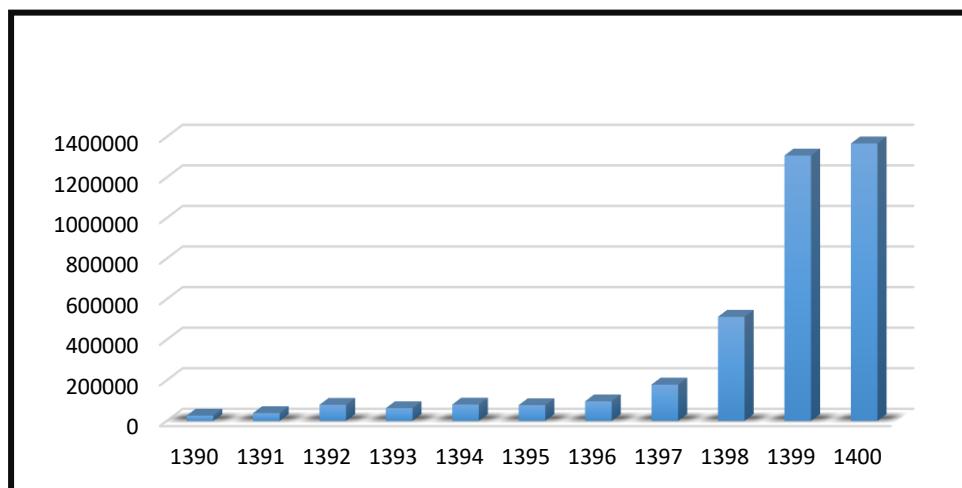
سهام و مسکن، دو دارایی جایگزین سپرده می‌باشند که تغییرات قیمت آنها می‌تواند بر میزان سپرده‌گذاری افراد در بانک‌ها تأثیر گذار باشد. سهام به عنوان یک دارایی مالی و مسکن به عنوان یک دارایی فیزیکی میتوانند بخشی از سبد دارایی افراد را به خود اختصاص دهند.

سهام

با توجه به اینکه اکثر افراد در جوامع ریسک‌گریز هستند و تمایل زیادی به سپرده گذاری در بانک به منظور حفظ امنیت پس انداز خود دارند. از سویی حفظ ارزش پول در شرایط تورمی کشور نیز یکی از دغدغه‌های سپرده‌گذاران است، انگیزه سپرده‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد. از جمله عواملی که سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود مد نظر قرار میدهند، نرخ بازده سهام است. دستیابی به این بازده در شرایطی امکان‌پذیر است که ثبات اقتصادی وجود داشته باشد. یکی از جنبه‌های ثبات

اقتصادی، ثبات سیاست‌های اقتصادی است که نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. به گونه‌ای که اگر نا اطمینانی نسبت به سیاست‌های اقتصادی وجود داشته باشد، این نا اطمینانی موجب نا اطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده‌ی اقتصاد خواهد شد و به دنبال آن صاحبان سرمایه دیگر قادر به تصمیم‌گیری برای آینده از جمله سرمایه‌گذاری نبوده و بازار پول و سرمایه با مشکل مواجه خواهد شد. عدم ثبات در بازار بورس و برخورداری از ریسک بالای سرمایه‌گذاری در این بازار در سال‌های اخیر منجر به خروج سرمایه‌ها از این بازار و افزایش سپرده‌گذاری در بانک‌ها شده است.

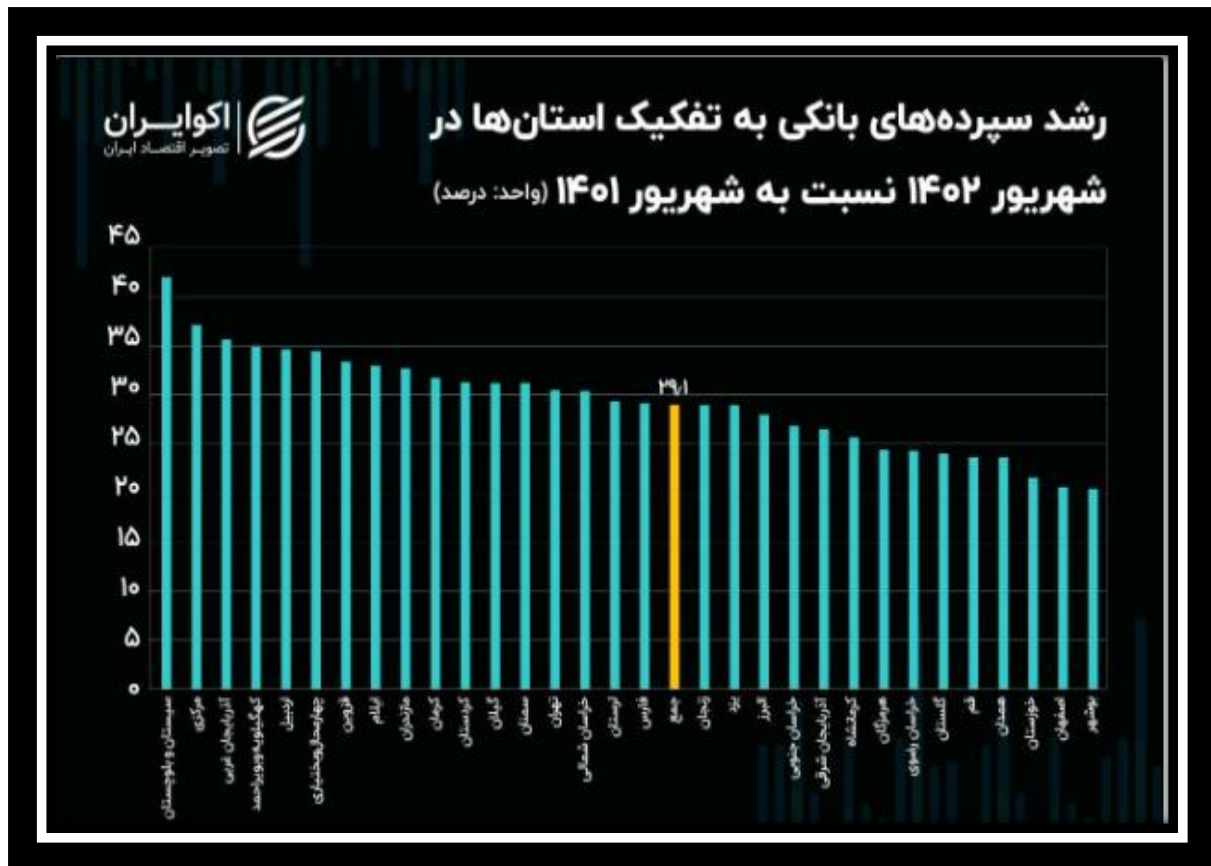
نمودار ۹: شاخص کل سهام



منبع: سالنامه‌های آماری

تداوم وضع موجود چه عواقبی را در پی خواهد داشت؟

مانده سپرده‌های بانکی در پایان شهریور ماه امسال به ۸ هزار و ۱۹۸ همت رسیده که نسبت به شهریور سال گذشته معادل ۲۹.۱ درصد رشد داشته است. طی دوره یکساله (از شهریور سال گذشته تا شهریور امسال) معادل هزار و ۸۴۹ همت به مانده سپرده‌های بانکی کشور اضافه شده است. رشد ۲۹.۱ درصدی مانده سپرده‌های بانکی کشور در حالی رخ داده که در ۱۷ استان این میزان رشد در سطح بالاتری از میانگین کشوری قرار دارد. بر اساس گزارش اکوایران، بررسی جزئیات وضعیت سپرده‌گذاری در استان‌ها نشان از یک تغییر قابل تامل دارد. حجم رشد سپرده‌های بانکی به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد، استان سیستان و بلوچستان رکورددار بیشترین رشد سپرده‌گذاری طی یکسال گذشته بوده است. بررسی‌ها آماری نشان می‌دهد میزان سپرده‌گذاری در استان سیستان و بلوچستان از شهریور سال گذشته تا شهریور ماه امسال معادل ۴۲.۱ درصد افزایش یافته و از ۴۷.۹ همت به ۶۸.۱ همت رسیده است.



گرچه عواملی چون صنعتی شدن جوامع، گسترش و تحول در فعالیت‌های اجتماعی و در نتیجه پدیدار شدن نیازهای جدید از عوامل مهم و اثرگذار در ایجاد و گسترش نهادهای مالی بوده‌اند ولی توسعه و پیشرفت‌های اقتصادی نیز یکی از مهمترین عوامل در گسترش و تحول این نهادها به شمار می‌روند، در واقع نهادهای مالی جهت تسهیل در پیشرفت‌های دیگر نهادهای اقتصادی شکل گرفته‌اند و لذا می‌توان عنوان نمود وجود نهادها و بازارهای مالی پیشرفته همراه با به کارگیری روش‌های نوین، با درجه توسعه یافتگی یک کشور ارتباط مستقیم دارد. مسأله مهم در نظام پولی و بانکی، نحوه تجهیز منابع مالی و سپس تخصیص و توزیع آن در بخشهای مختلف اقتصاد و بین فعالان اقتصادی و نیز مسیری است که حجم پول موجود وارد سیستم اقتصادی شده و در آن گردش میکند. با توجه به وظیفه نظام بانکی در تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن در سیستم اقتصادی، هرچه نظام بانکی در تجهیز منابع مالی و تخصیص آن در فضای رقابتی و به صورت کارآتری عمل نماید، میتوان شاهد کاهش هزینه‌های تولید و بهبود امر تولید و اشتغال و رشد اقتصادی بود؛ در غیر این صورت، عدم کارآیی نظام بانکی در تجهیز و تخصیص بهینه منابع مالی منجر به اتلاف منابع و دامن زدن به رکود اقتصادی می‌گردد. بررسی آمار تسهیلات پرداختی در استان سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد.

مجموع تعداد تسهیلات پرداختی بانک ها به بخش غیردولتی برحسب بخشهای عمده اقتصادی

سال	بخش کشاورزی	مسکن و ساختمان	صنعت و معدن	خدمات
۱۳۹۸	۲۶٪	۷٪	۱٪	۶۷٪
۱۳۹۹	۰.۱۹٪	۱۹٪	۱٪	۸۰٪
۱۴۰۰	۲٪	۱۳.۵٪	۲٪	۸۲.۵٪

منبع: سالنامه‌های آماری

بیشترین تسهیلات پرداختی به بخش خدمات می‌باشد در حالیکه در استان سیستان و بلوچستان بخش کشاورزی به دلیل جایگاه استان در زیربخش شیلات و همچنین بخش معدن به دلیل جایگاه استان در برخورداری از ظرفیت های معدنی گوناگون می تواند نقش موری در بهبود ارزش افزوده و افزایش اشتغال ایفا نمایند. همچنین بخش ساختمان و مسکن به دلیل برخورداری از ارتباط پیشین می تواند محرک رشد اقتصادی در استان باشد. افزایش متوازن تسهیلات بخش های مختلف اقتصاد استان می تواند در بهره گیری از ظرفیت های مختلف و موقعیت های برخوردار از رقابت نسبی استان نقش مورتری داشته باشد.

پیشنهادهای:

نهادهای مالی به عنوان قلب تپنده اقتصاد در دو بازار بزرگ سرمایه و پول فعالیت دارند و با اعطای تسهیلات، باعث جریان پول و سرمایه در جامعه می‌شوند و در این جریان، نهاد مالی خود را در معرض انواع ریسک‌ها قرار می‌دهد. تنوع این ریسک‌ها و گاهی شدت آنها به حدی است که اگر نهاد مالی نتواند آنها را به نحو صحیح کنترل و مدیریت نماید، رو به نابودی می‌رود. در این راستا، موسسات مالی و اعتباری برای کسب سود بیشتر باید در بازپرداخت کامل تسهیلات اعطایی خود از سوی مشتریان مطمئن باشند زیرا وجود اطلاعات نامتقارن در بازارهای وام، امری بدیهی است، لذا در چنین شرایطی نقش دو موضوع غربال و نظارت جهت انجام فرآیند اعطای تسهیلات از اهمیت زیادی برخوردار است. دیریت نقدینگی یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که سیستم بانکداری با آن روبروست. دلیل اصلی این چالش آن است که بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه مدت تأمین می‌شود. علاوه بر این، تسهیلات اعطایی بانک‌ها صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند. ناکافی بودن مقدار نقدینگی و همچنین کاهش سودآوری بانک‌ها را در خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات روبرو می‌کند و در نتیجه بانک در معرض ورشکستگی قرار می‌گیرد. همچنین نگهداری نقدینگی بیشتر، هر چند موجب کاهش ریسک می‌شود، ولی فرصت های سرمایه‌گذاری را از بانک گرفته و باعث کاهش بازدهی منابع بانک خواهد شد. مدیریت نقدینگی شامل پیش بینی نیازهای بانک در مقاطع مختلف و تأمین این نیازها با حداقل هزینه ممکن است. نگهداری دارایی‌های نقدشونده به منظور کسب اطمینان از وجود جریان‌های مالی جهت پرداخت به متقاضیان سبب کاهش فرصت های سرمایه‌گذاری برای بانک

می‌گردد و این کاهش فرصت های سرمایه‌گذاری باعث افزایش در هزینه سپرده‌ها و زیان پرداخت وام می‌گردد. از جمله عوامل

موثر در جذب نقدینگی و افزایش سپرده های بانکی موارد زیر می‌باشند:

۱- حداقل نمودن هزینه‌ها و ریسک بانک‌ها (سود پرداختی) جهت جذاب نمودن جذب سپرده‌ها

۲- مدیریت بهینه دارایی و بدهی بانک‌ها

۳- بالا بردن سهم تسهیلات اعطایی و سپرده های سرمایه‌گذاری

۴- منطقی کردن نرخ سود سپرده

۵- کفایت سرمایه بانک‌ها

۶- کیفیت دارایی بانک‌ها که با عملکرد مالی ارتباط مستقیمی دارد.

۷- کیفیت و روند تحصیل درآمدها

۸- کنترل نقدینگی